

گونه‌شناسی و تحلیل عناصر بصری کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان با رویکرد زیبایی‌شناسی مطالعه موردی مجموعه موزه ملی ایران

مقاله پژوهشی (صفحه ۱۳۶-۱۱۷)

ساناز پورمحمودی^۱، سعید امیرحاجلو^۲، حسن مرادی^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.

۲- عضو هیأت علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس. (نویسنده مسئول)

۳- دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی.

DOI: 10.22077/NIA.2025.8132.1875

چکیده

مجموعه تاریخی تخت سلیمان در تکاب آذربایجان غربی، افزون بر آثار عصر ساسانی، دربردارنده آثار ارزشمندی از دوره ایلخانان است. در کاوش‌های باستان‌شناسی دهه ۴۰ خورشیدی در مجموعه تخت سلیمان، شمار فراوانی کاشی زرین‌فام از کاخ آباقاخان به دست آمد که بیش از هزار قطعه از آن به موزه ملی ایران منتقل شد. با وجود غنای کیفی و کمی این مجموعه کاشی، سامان‌دهی و مطالعه کامل آن‌ها در موزه در دهه‌های گذشته به انجام نرسیده است. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف سامان‌دهی، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی کاشی‌های زرین‌فام آغاز شد و با توجه به ارزش‌های هنری نمونه‌ها، مطالعات تکمیلی با رویکرد زیبایی‌شناسی و با هدف تبیین شاخصه‌های بصری و اصول حاکم بر ترکیب‌بندی عناصر تصویری کاشی‌ها صورت گرفت. در این مقاله تلاش شده است به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که ویژگی‌های بصری کاشی‌های زرین‌فام در موزه ملی ایران چیست و گونه‌شناسی آن‌ها چه اطلاعاتی را درباره رایج‌ترین فرم‌ها، نقوش و کتیبه‌ها در اختیار می‌نهد؟ اصول ترکیب‌بندی و چیدمان عناصر بصری روی کاشی‌ها چگونه در جهت آفرینش ارزش‌های زیبایی‌شناسانه به کار گرفته شده است؟ بر این اساس، ابتدا مستندنگاری، عکاسی و سامان‌دهی کاشی‌ها به انجام رسیده و سپس مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی کاشی‌ها با مطالعه اصول ترکیب‌بندی و نحوه به‌کارگیری عناصر اصلی بصری در نقش‌پردازی تبیین شده است. نتایج طبقه‌بندی و گونه‌شناسی کاشی‌ها نشانگر وجود شش گونه، شامل کاشی‌های «ستاره‌ای هشت‌پر کوچک تخت بدون کتیبه»، «ستاره‌ای هشت‌پر بزرگ تخت کتیبه‌دار»، «ستاره‌ای هشت‌پر نقش برجسته»، «حاشیه‌ای کتیبه‌ای برجسته»، «حاشیه‌ای منقوش برجسته» و «صلیبی یا چلیپایی» است. در این میان، فرم ستاره‌ای هشت‌پر، رایج‌ترین فرم است و نقوش گیاهی و سپس اسلیمی، پرتکرارترین نقوش هستند. در بیش از دوسوم کاشی‌ها، الگوهای ترکیب‌بندی متقارن، شعاعی و تکرار واگیره دیده می‌شود و چنین الگوهای، تناسب، هماهنگی و ثبات را در طرح کاشی‌ها پدید آورده است. فراوانی حدود ۸۵ درصدی کاشی‌هایی با نقش زینتی و آمار اندک چهاردرصدی کاشی‌هایی با نقش روایی و داستانی نشان می‌دهد برای هنرمندان و سفارش‌دهندگان کاشی‌ها، آراستگی، تزئین و زیبایی بر انتقال پیام اولویت داشته است و از الگوهای ترکیب‌بندی و عناصر بصری برای تناسب، تعادل، تقارن، توازن، نظم، هماهنگی، ثبات و درنهایت با هدف خلق زیبایی بهره برده‌اند.

واژه‌های کلیدی: کاشی زرین‌فام، تخت سلیمان، سبک‌شناسی، زیبایی‌شناسی، ترکیب‌بندی، موزه ملی ایران.

1- Email: sanaz_pourmahmoudi@yahoo.com

2- Email: s.amirhajloo@modares.ac.ir

3- Email: moradi1148009@gmail.com

*** این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده اول با عنوان "طبقه‌بندی، گونه‌شناسی و تحلیل عناصر بصری و سبکی کاشی‌های زرین‌فام محوطه تخت سلیمان بر اساس مجموعه موزه ملی ایران" است که به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه تربیت مدرس دفاع شده است.

مقدمه

شیوه تولید لعاب‌های زرین‌فام بر سطح سفال‌ها و کاشی‌ها در سده‌های میانی اسلامی، یکی از شیوه‌های پیچیده و پرهزینه تولید آثار هنری زینتی و کاربردی بود. به همین علت، تولید کاشی و سفالینه زرین‌فام در انحصار مراکز تولید خاص بود و تولیدات این مراکز، در اختیار دربار، بزرگان و متمولان قرار می‌گرفت. تولید کاشی‌های زرین‌فام در عصر ایلخانی به اوج رسید و خانواده‌های مهم سفال‌گر، همچون خاندان ابی‌طاهر و ابوزید، نقش مهمی در خلق شاهکارهای زرین‌فام داشته‌اند (واتسون، ۱۳۸۲: ۱۶۸). کاشی‌های زرین‌فام عموماً در بناهای آیینی به کار رفته‌اند. اما کاربرد این کاشی‌ها در شمار معدودی از بناهای غیرآیینی نیز گزارش شده است. برای نمونه، کاخ ایلخانی قوش‌خانه یا خوشی‌خانه در دشت لار تهران با کاشی‌های زرین‌فام آراسته شده بود و اکنون، قطعاتی از کاشی‌های این کاخ ویران شده، در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود (سیری و امیرحاجلو، ۱۳۹۹: ۲۱۱). یکی از مهم‌ترین بناهای غیرآیینی که با کاشی‌های زرین‌فام آراسته شده بود، کاخ آباقاخان در مجموعه تخت سلیمان است. بسیاری از کاشی‌های این کاخ، دارای تاریخ‌های ۶۷۰، ۶۷۱ و ۶۷۴ هـ هستند (طالب‌پور، ۱۳۸۷: ۴). به نظر می‌رسد این کاشی‌ها، در یک بنای شاهانه، به‌عنوان رسانه‌ای برای نمایش قدرت، اقتدار و مشروعیت عمل می‌کرده‌اند و دارای نمادهایی هستند که قدرت حکومت را به نمایش می‌گذارند (شکرپور و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۳). همچنین، کاربرد آن‌ها در یکی از مهم‌ترین بناهای حکومتی و شاهانه ایلخانان، چنین ایجاب می‌کرد که باکیفیت‌ترین کاشی‌ها و زیباترین طرح‌ها برای این کاخ انتخاب شوند؛ بنابراین، مسئله مهم در مطالعه این کاشی‌ها، تنوع ویژگی‌های بصری و سبکی آن‌ها، کارکرد و تأثیر نمادها، کتیبه‌ها، نوع عناصر بصری، نحوه چیدمان عناصر تصویری و اصول ترکیب‌بندی تصویر و ارزش‌های زیبایی‌شناختی آن‌هاست.

بر این اساس، این پرسش‌ها مطرح است که ویژگی‌های بصری کاشی‌های زرین‌فام در موزه ملی ایران چیست و گونه‌شناسی آن‌ها چه اطلاعاتی را درباره رایج‌ترین فرم‌ها و نقوش و کتیبه‌ها در اختیار می‌نهد؟ اصول ترکیب‌بندی و

چیدمان عناصر بصری روی کاشی‌ها چگونه در جهت آفرینش ارزش‌های زیبایی‌شناسانه به کار گرفته شده است؟ در این مقاله برای نخستین‌بار، گونه‌شناسی کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان در «موزه ملی ایران» به انجام رسیده و با مطالعه عناصر تصویری کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان، تلاش شده این عناصر بصری و نحوه چیدمان یا ترکیب‌بندی آن‌ها با رویکرد زیبایی‌شناسی تبیین شود.

روش پژوهش

گردآوری داده‌ها در این مقاله به دو روش تجربی (میدانی و مطالعه آثار موزه‌ای) و اسنادی صورت گرفته است و قطعات باقی‌مانده از کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان که در موزه ملی ایران نگهداری می‌شوند، مطالعه و بررسی شده‌اند. بدین ترتیب، پس از مستندنگاری و سامان‌دهی کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان در موزه ملی ایران، به مطالعه طرح‌ها و نقوش کاشی‌ها پرداخته شده و طبقه‌بندی آن‌ها براساس معیارهای فرم، نوع نقش، سبک نقش، مضمون نقش، الگوی ترکیب‌بندی و کتیبه‌ها صورت گرفته و برپایه آن، گونه‌شناسی کاشی‌ها به انجام رسیده است. همچنین، با مطالعه اصول ترکیب‌بندی و نحوه به‌کارگیری عناصر اصلی بصری در نقش‌پردازی کاشی‌ها، ارزش‌های زیبایی‌شناختی آن‌ها تبیین شده است.

پیشینه پژوهش

مجموعه تاریخی تخت سلیمان در شماری از پژوهش‌های علمی مورد توجه قرار گرفته است. از مهم‌ترین تألیفات درباره این مجموعه، کتاب تخت سلیمان نوشته هانس هنینگ فون در اوستن و رودلف ناومان (۱۳۸۲) است که در آن، نتایج نخستین کاوش‌ها در مجموعه تخت سلیمان ارائه شده است. رودلف ناومان در دو کتاب دیگر با عناوین ویرانه‌های تخت سلیمان و زندان سلیمان (۱۳۸۲) و «Takht-i Suleiman» (۱۹۷۶)، یافته‌های باستان‌شناختی حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی در این مجموعه را توصیف کرده است. او به کاخ شکار با کاشی‌های زرین‌فام، لاجوردی و فیروزه‌ای و کارگاه‌های تولید سفال و کاشی‌زرین‌فام در تخت سلیمان اشاره کرده است. علی‌اکبر سرفراز (۱۳۴۷) نیز در کتاب تخت سلیمان ضمن

زرین فام تخت سلیمان تمرکز دارند نیز می توان به پژوهش های زیر اشاره کرد؛ شکرپور و دیگران (۱۳۹۲) در مقاله ای با موضوع کاشی های زرین فام تخت سلیمان، نظام های کلامی و دیداری این کاشی ها را به عنوان رسانه ای برای نمایش قدرت و مشروعیت حکام ایلخانی تفسیر کرده اند. طالب پور (۱۳۸۷) نیز در مقاله ای با موضوع نقوش کاشی های کاخ آباخان در تخت سلیمان، به کاشی های زرین فام در تخت سلیمان و تنوع نقوش ایرانی و چینی در این کاشی ها اشاره کرده و ترکیب عناصر تصویری ایرانی - چینی را بررسی کرده است. یکی از ارزشمندترین پژوهش ها درباره کاشی های تخت سلیمان، پژوهش عبدالله قوچانی (۱۳۷۱) است که در کتابی با عنوان اشعار فارسی کاشی های تخت سلیمان به چاپ رسیده است. او در این کتاب ضمن خوانش و معرفی اشعار فارسی در کتیبه های کاشی های تخت سلیمان، این کاشی ها را از نظر تاریخ، محل ساخت و کاشی کاران نیز بررسی کرده است.

استفان رورز و دیگران (۲۰۲۲) نیز کاشی های زرین فام تخت سلیمان در موزه برلین را مطالعه و مواد بدنه و لعاب را با روش های XRF و SEM/EDX آزمایش کرده اند. عبداللهی و دیگران (۱۳۹۹) ۶ نمونه از کاشی های زرین فام متعلق به مؤسسه فرهنگی موزه های بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی را از نظر فرم، نقش، رنگ و کتیبه بررسی کرده و با نمونه های کاشان و سلطان آباد مشابه دانسته اند. ایو پورتر (۲۰۲۱) نیز به بررسی ۹۲ قطعه کاشی زرین فام ایلخانی از موزه های ویکتوریا و آلبرت، بروکلین، سانفرانسیسکو، رضا عباسی و کلیسای اغوارد در ارمنستان پرداخته و معتقد است این آثار مشابه کاشی های زرین فام تخت سلیمان هستند؛ اما تمامی آن ها برای آن مکان نیستند و برخی به کاخ های دیگری تعلق دارند که از بین رفته اند.

بنابراین، کاشی های منسوب به تخت سلیمان در موزه های دنیا، تاکنون موضوع پژوهش های متعددی با رویکردهای آزمایشگاهی، بررسی کتیبه ها و نقوش، گاه نگاری و منشأیابی بوده اند؛ اما نمونه های موزه ملی ایران تاکنون مطالعه و بررسی نشده اند. همچنین، مطالعه عناصر بصری کاشی ها از منظر اصول ترکیب بندی و با رویکرد زیبایی شناختی، کمتر مورد توجه بوده است؛ بنابراین، مقاله حاضر از نظر جامعه آماری، یک پژوهش

توصیف و ویژگی های آتشکده آذرگشنسب، به بررسی نمونه های سفال و کاشی های تخت سلیمان پرداخته و فصلی از کتاب خود را نیز به آثار زندان سلیمان اختصاص داده است. دیتریش هوف (۱۳۶۸) نیز در مقاله ای با موضوع تخت سلیمان، به توصیف آثار ادوار هخامنشی و ساسانی در این مجموعه پرداخته و ویژگی های معماری، مصالح و آرایه های این مجموعه را توصیف کرده است. ترجمه ای از این مقاله در کتاب شهرهای ایران به کوشش محمدیوسف کیانی به چاپ رسیده است.

کاشی زرین فام ایران نیز موضوع پژوهش های متعددی بوده و هریک از پژوهشگران، با رویکردی خاص به این محصول فاخر پرداخته اند. برخی از پژوهشگران، سبک هنری و تصاویر روی این کاشی ها را مطالعه کرده اند. بعضی دیگر مواد و عناصر تشکیل دهنده خمیره و لعاب آن را با روش های آزمایشگاهی بررسی کرده اند. برخی هم به منشأیابی و شناخت مراکز تولید آن اهتمام داشته اند. واتسون (۱۳۸۲) در کتاب سفال زرین فام ایرانی به ساخت کاشی زرین فام پرداخته و به مجموعه تخت سلیمان و کاشی های به دست آمده از آنجا اشاراتی کرده است. توحیدی (۱۳۹۰) نیز در کتاب فن و هنر سفالگری، ساخت سفالینه های زرین فام و لعاب آن ها را توضیح داده است. نیستانی و روح فر (۱۳۸۹) در کتاب ساخت لعاب زرین فام در ایران، به پیشینه زرین فام و نتایج آزمایش های PIXE در خصوص لعاب زرین فام مناطق مختلف پرداخته اند. امیرحاجلو و دیگران (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان «کاشی های زرین فام قلعه دختر شهر کرمان»، آن ها را متعلق به سده هفتم هجری، یعنی هم دوره با کاشی های زرین فام تخت سلیمان دانسته اند و با استناد به مطالعات آزمایشگاهی، جنوب شرقی ایران را یکی از مراکز تولید سفال و کاشی زرین فام معرفی کرده اند. لشکری و دیگران (۱۳۹۳) نیز در مقاله ای به مطالعه کاشی های زرین فام ایلخانی در آرامگاه امامزاده فضل بن سلیمان در شهر آوه و مقایسه آن ها با کاشی های زرین فام سایر نواحی پرداخته اند. سیری و امیرحاجلو (۱۳۹۹) در مقاله «بازنگری محل انتساب هفت قطعه کاشی زرین فام در موزه ملی ایران، اطلاعات باستان شناختی تازه ای از دشت لار تهران»، به پیشینه کاشی های زرین فام کشف شده از قوش خانه دشت لار پرداخته اند.

ازجمله پژوهش هایی که به طور اختصاصی بر کاشی های

بدیع محسوب می‌شود. افزون بر آن، اتخاذ رویکرد زیبایی‌شناسی در مطالعه نمونه‌ها، جنبه دیگری از نوآوری پژوهش حاضر است.

مبانی نظری پژوهش

زیبایی و زیبایی‌شناسی از جمله مفاهیمی هستند که از دیرباز مورد توجه فلاسفه، اندیشمندان و پژوهشگران قرار گرفته‌اند و تعاریف متعددی از این دو مفهوم ارائه شده است. افلاطون، زیبایی را در معنای «تناسب، توازن، تقارن و ایجاز»، ارسطو در «نظم و اندازه معین» و فلوطین در «تناسب اجزا نسبت به یکدیگر» دانسته است (احمدی، ۱۳۹۳: ۶۴-۷۱). فلاسفه و اندیشمندان مسلمان نیز زیبایی‌شناسی هنری را در تناسب نیکو و بازنمایی صور زیبا که باعث لذت در نفس می‌شود، جست‌وجو کرده‌اند. به اعتقاد آن‌ها، زیبایی یعنی داشتن تناسب و اعتدال و هنرمند نقاش باید صور را به شکل عین، محسوس و به دور از تخیل به تصویر درآورد (بلخاری قهی، ۱۴۰۰: ۱۰۸-۱۰۳). بنابراین، در مطالعه یک اثر هنری با رویکرد زیبایی‌شناسی، بررسی اصول تناسب، تعادل و توازن اهمیت دارد؛ اما باید توجه داشت که ارزش‌های زیبایی‌شناختی یک اثر هنری را می‌توان در دو ساحت «ظاهری - روستخت» و «باطنی - زیرساخت» بررسی و تبیین کرد. ساحت ظاهری آن، همان عناصر بصری است که نحوه چینش و پیوستگی یا گسستگی آن‌ها، به یک ترکیب‌بندی یا کمپوزیسیون می‌انجامد؛ اما ساحت باطنی یا «زیرساخت» آن اثر، بیانگر دلالت‌های معنایی و مفهومی است که در ورای عناصر بصری و چیدمان آن‌ها پدید می‌آید؛ به بیان دیگر، هنرمند افزون بر آنکه سازنده اثر هنری است، سازنده یک معنا نیز هست. بر این اساس، مطالعه آثار هنری با رویکرد زیبایی‌شناسانه با یکی از این دو روش یا هر دو روش به صورت توأمان امکان‌پذیر است: الف. تبیین ارزش‌های زیبایی‌شناختی برپایه ویژگی‌های ظاهری اثر، عناصر بصری و ترکیب‌بندی آن‌ها؛ ب. تبیین ارزش‌های زیبایی‌شناسانه برپایه ساحت باطنی و معنایی اثر یا دلالت‌های معنایی اثر. روش دوم، یعنی تبیین ارزش‌های زیبایی‌شناسانه یک اثر برپایه ساحت معنایی و باطنی آن، روشی پیچیده و چندبُعدی است و در مطالعه آثاری با مضامین روایی، کارایی بیشتری دارد؛ درحالی‌که در مطالعه مؤلفه‌ها و

ارزش‌های زیبایی‌شناختی آثاری با نقش‌پردازی‌های صرفاً زینتی، تمرکز بر عناصر بصری و ترکیب‌بندی‌های ظاهری آن کاراکنتر است.

کاشی‌های زرین‌فام سده‌های میانی اسلامی از جمله مواد مطالعاتی هستند که مطالعه آن‌ها با رویکرد زیبایی‌شناسی، آگاهی‌های سودمندی را درباره هنرهای سفارشی و درباری در تاریخ هنر ایران ارائه می‌کند؛ چراکه این نوع کاشی، یکی از تولیدات فاخر و گران‌بها بود و عموماً در اختیار دربار و طبقات متمول جامعه قرار می‌گرفت؛ بنابراین، به نظر می‌رسد انگیزه‌ها و تمایلات زیبایی‌شناسانه و دستوری حاکمان و سفارش‌دهندگان، تأثیری غالب در نقش‌پردازی، عناصر تزئینی و دلالت‌های معنایی نقوش و طرح‌ها داشته‌اند. بر این اساس، به منظور مطالعه کاشی‌های زرین‌فام با رویکرد زیبایی‌شناسانه و تبیین کارکرد عناصر بصری و ترکیب‌بندی طرح در آفرینش ارزش‌های زیبایی‌شناختی، در مرحله نخست باید انواع طرح کاشی را شناخت و در مرحله دوم ترکیب‌بندی عناصر بصری کاشی‌ها را ارزیابی کرد. این فرایند دومرحله‌ای، درکی عمیق از طرح و نقش ایجاد می‌کند و امکان تحلیل و تفسیر مؤلفه‌ها و ارزش‌های زیبایی‌شناسی، اهداف سازندگان و سفارش‌دهندگان و حتی تبیین دلالت‌های معنایی نقوش فراهم می‌شود.

الف. مرحله نخست: نخستین مرحله از فرایند دومرحله‌ای فوق، «طبقه‌بندی» و «گونه‌شناسی» آثار است. طبقه‌بندی و گونه‌شناسی آثار به درک همسانی‌ها و تفاوت‌های آن‌ها کمک می‌کند و براساس همسانی‌های مطلق یا نسبی میان آثار، می‌توان ارزش‌های زیبایی‌شناختی را تبیین کرد.

ب. مرحله دوم: مطالعه اصول ترکیب‌بندی عناصر بصری در طرح کاشی‌ها در مرحله دوم صورت می‌گیرد. رعایت قواعد ترکیب‌بندی، سبب ایجاد هماهنگی و آفرینش زیبایی در یک اثر تجسمی است. در ترکیب‌بندی، مؤلفه‌هایی مانند موقعیت عناصر بصری، تراکم یا پراکندگی آن‌ها، رابطه آن‌ها با یکدیگر، اندازه آن‌ها نسبت به کادر و مفاهیمی مانند تعادل، تناسب، تضاد، ریتم و تمرکز اهمیت دارد. وجود تعادل در یک اثر تجسمی برای ایجاد تأثیر مثبت بر مخاطب ضروری است و عدم تعادل میان نیروهای بصری، پیام اثر را خدشه‌دار

مجموعه موزه ملی ایران

کاشی‌های زرین‌فام تخت‌سلیمان که در موزه ملی ایران، بخش باستان‌شناسی و هنر دوران اسلامی نگهداری می‌شوند، از دوران حکومت آباقاخان ایلخانی (۶۶۳ تا ۶۸۰ هجری) باقی مانده‌اند. حدود هزار قطعه از این کاشی‌ها در موزه موجود است که برای این پژوهش، ۸۲۲ قطعه از آن‌ها بررسی شده‌اند. براساس شماره‌های موزه، این مجموعه ۸۲۲ قطعه‌ای از شماره ۹۸۵۳۳۱۶ آغاز و به شماره ۹۸۵۴۱۳۸ ختم می‌شود. اغلب کاشی‌ها، شکسته و خرد شده‌اند؛ اما در میان آن‌ها، قطعاتی وجود دارند که از سلامت بهتری برخوردارند. این آثار نخستین‌بار در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ خورشیدی توسط باستان‌شناسان سوئدی و آلمانی کاوش شده‌اند (فون در اوستن و ناومان، ۱۳۸۲؛ ناومان، ۱۳۸۲) که تعدادی از آن‌ها در قالب یک مجموعه از تخت سلیمان به موزه ملی انتقال یافته است. کاشی‌های فوق به صورت نامنظم در کمدهای موزه نگهداری می‌شدند و طی دهه‌های گذشته، بررسی و سامان‌دهی نشده بودند. در پژوهش حاضر، برای نخستین‌بار، این قطعات کاشی سامان‌دهی شده‌اند. در مرحله نخست، مستندنگاری نمونه‌ها شامل ثبت ویژگی‌های فنی در جداول اختصاصی و عکاسی از نمونه‌ها صورت گرفته است؛ سپس تمام تصاویر، پردازش و فایل‌بندی شده‌اند و نمونه‌هایی که از سلامت بیشتری برخوردار بودند و نقش و طرح یا ترکیب‌بندی عناصر بصری روی آن‌ها به‌نحو مطلوبی قابل تشخیص بود، برای مطالعات تکمیلی و تحلیل‌ها گزینش شدند. بر این اساس، ۲۸۴ قطعه از مجموع ۸۲۲ قطعه، برای مطالعات تکمیلی و تحلیلی انتخاب شد.

طبقه‌بندی و گونه‌شناسی کاشی‌ها

نخستین مرحله از مطالعه کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی نمونه‌ها به‌منظور درک وجوه اشتراک و افتراق آن‌هاست. یافتن وجوه اشتراک و میزان فراوانی نمونه‌های همسان از یک‌سو بیانگر تمایلات، علایق و سلیق جامعه عصر ایلخانی، به‌ویژه درباریان و نخبگان است و از سوی دیگر، پای‌بندی هنرمندان و سفارش‌دهندگان به الگوهای ثابت و اجتناب هنرمندان و سفارش‌دهندگان از خلق

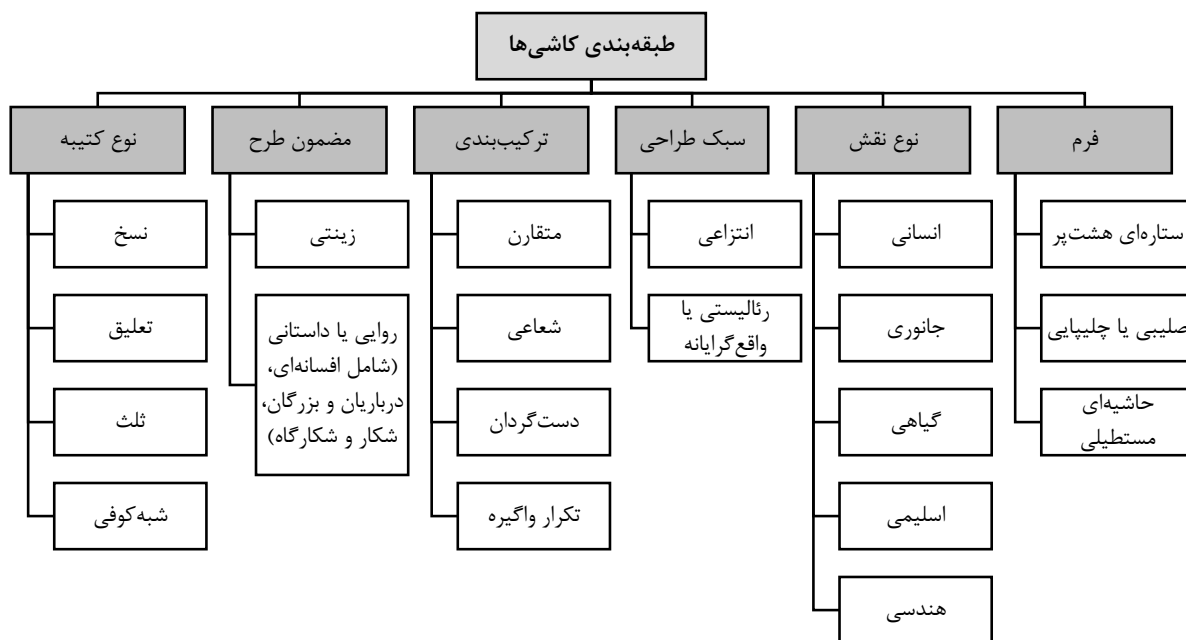
می‌کند (حسینی‌راد، ۱۳۹۴: ۶۶)؛ زیرا انسان به‌صورت آگاهانه یا ناخودآگاه، در ارزیابی‌های بصری خود بیش از هر عامل دیگری از نظر بصری به وجود تعادل و توازن توجه می‌کند (داندیس، ۱۳۹۰: ۴۸). تعادل در یک اثر تصویری، برپایه وزن بصری عناصر در تصویر درک می‌شود. چیدمان عناصر بصری همسان در موقعیت‌های مختلف کادر، منجر به ایجاد تعادل متقارن و چیدمان عناصر بصری ناهمسان، اما هم‌وزن، منجر به ایجاد تعادل نامتقارن می‌شود (حلیمی، ۱۳۸۴: ۲۳۰). تضاد نیز به‌معنای تباین میان عناصر و کیفیت‌های بصری است (حسینی‌راد، ۱۳۹۴: ۷۲). تضاد از جمله مفاهیم و اصولی است که به یک اثر تجسمی، معنا و مفهوم می‌بخشد؛ همان‌گونه که زندگی بشر با تضادها معنا می‌یابد. انسان بسیاری از مفاهیم را از طریق مقایسه درک می‌کند. همچنان که مفهوم شب و روز، سرد و گرم، خوبی و بدی، زشتی و زیبایی، شادی و غم و امثال این‌ها از طریق تجربه و شناخت تفاوت‌ها و مقایسه میان آن‌ها فهمیده می‌شود (همان). انواع تضادها در عناصر بصری یک تصویر شامل تضاد در اندازه، شکل، موقعیت، جهت، بافت و رنگ است. استفاده از خطوط بزرگ و کوچک، شکل‌های ساده و پیچیده، موقعیت مرکز یا حاشیه و رنگ‌های متضاد در یک طرح، به آفرینش زیبایی منجر می‌شود. ریتم نیز تکرار عناصر بصری با نظم معین و روابطی دقیق است و غالباً حرکت را در پی دارد (حلیمی، ۱۳۸۴: ۲۲۲) و چشم را به دنبال کردن یک عنصر بصری در تصویر وامی‌دارد. حرکت، یکی از مظاهر حیات در هنر و موجب پویایی اثر هنری است.

برپایه مبانی فوق و براساس طرح‌های غالب در کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان، در مقاله حاضر با بررسی عناصر بصری و ترکیب‌بندی آن‌ها تلاش شده است ارزش‌های زیبایی‌شناختی آثار تبیین شود. به بیان دیگر، به دلیل فراوانی کاشی‌هایی با نقوش صرفاً زینتی و شمار اندک کاشی‌هایی با مضامین روایی در جامعه آماری مورد مطالعه، مؤلفه‌ها و ارزش‌های زیبایی‌شناختی کاشی‌ها برپایه ویژگی‌های ظاهری طرح و نقش یا عناصر اصلی بصری و اصول ترکیب‌بندی تبیین شده است.

در طراحی کاشی‌هاست. بر این اساس، کاشی‌های زرین‌فام تخت‌سلیمان برحسب معیارها و ویژگی‌های بصری و ظاهری مانند فرم، ترکیب‌بندی طرح، نوع نقش، سبک نقش، مضمون نقش و نوع کتیبه طبقه‌بندی شده‌اند (نمودار ۱).

طرح‌های جدید را نشان می‌دهد؛ به بیان دیگر، طبقه‌بندی کاشی‌ها و احصای رایج‌ترین فرم‌ها و طرح‌ها در آن‌ها، افزون‌بر آنکه نوع نگاه جامعهٔ نخبگانی عصر ایلخانی به مقولهٔ زیبایی و زیبایی‌شناسی را نشان می‌دهد، نشانگر نوعی محافظه‌کاری

نمودار ۱. طبقه‌بندی کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان در موزه ملی ایران (نگارندگان، ۱۴۰۳)



است. میزان فراوانی هر یک از فرم‌های سه‌گانهٔ فوق، در نمودار ۲ نشان داده شده است. براساس نمودار ۲، میزان فراوانی قطعات ستاره‌ای هشت‌پر، تقریباً سه‌برابر کاشی‌های صلیبی یا چلیپایی است. این آمار، الزاماً به معنای کاربرد بیشتر کاشی‌های ستاره‌ای هشت‌پر یا تولید بیشتر نیست؛ بلکه فقط نشانگر کشف شمار بیشتری از آن‌ها در کاوش‌های باستان‌شناسی است؛ زیرا این دو فرم کاشی، همواره در ترکیب با یکدیگر و به‌صورت یک‌درمیان بر سطح ازارهٔ بناها نصب می‌شد؛ بنابراین، در یک قاب ازارهٔ دیوار، تعداد کاشی‌های صلیبی و ستاره‌ای تقریباً برابر بوده است.

الف. طبقه‌بندی از نظر فرم کاشی

کاشی‌های زرین‌فام تخت‌سلیمان همچون نمونه‌های سایر نواحی و بناهای ایران، در سه فرم اصلی، یعنی «ستاره‌ای هشت‌پر»، «صلیبی یا چلیپایی» و «حاشیه‌ای مستطیلی» تولید شده‌اند (تصویر ۱). در اغلب بناهای ایران، کاشی‌های ستاره‌ای با کاشی‌های صلیبی در کنار هم قرار می‌گرفتند و در قاب‌های ازاره به کار رفته‌اند (واتسون، ۱۳۸۲: ۱۶۶). کاشی‌های حاشیه‌ای مستطیلی، معمولاً قرنیز فوقانی برجسته‌ای با طرح و کتیبه‌ای قالب‌گیری‌شده در یک زمینهٔ اصلی دارند و معمولاً بر بالای قاب‌های تزئینی کاشی ازاره، دورتادور دیواره‌های داخلی بنا قرار می‌گرفتند (همان).

اندازهٔ برخی کاشی‌ها در فرم ستاره‌ای ۲۰ سانتی‌متر و برخی دیگر ۱۱ سانتی‌متر و در فرم صلیبی بین ۱۵ تا ۱۹ سانتی‌متر است. اندازهٔ دقیق کاشی‌های مستطیلی به دلیل میزان شکستگی کاشی مشخص نیست؛ اما عرض دو نمونه از آن‌ها که از سلامت بهتری برخوردارند، ۲۰ و ۲۵ سانتی‌متر



تصویر ۱. سه فرم اصلی کاشی زرین فام تخت سلیمان در موزه ملی ایران؛ ستاره‌ای، صلیبی و حاشیه‌ای (نگارندگان، عکس‌های راست و چپ، ۱۴۰۳؛ آرشیو موزه ملی ایران، عکس وسط)

ب. طبقه‌بندی از نظر نوع نقش

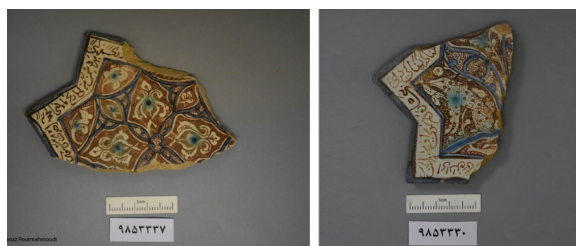
کوتاه، برگ‌های نخلی و کنگری، قاصدک و درخت سرو است. از نظر آماری، گل‌های پنج‌پر و برگ‌نخلی، رایج‌ترین نوع نقش گیاهی در این مجموعه هستند؛ چنان‌که از ۲۸۴ قطعه مورد مطالعه، ۶۲ قطعه دربردارنده انواعی از این دو نقش هستند و در مقایسه با سایر نقوش، از فراوانی بیشتری برخوردارند. پوپ (۱۳۸۷: ۱۸۲۵) و واتسون (۱۳۸۲: ۱۱۷) نیز گل پنج‌پر و برگ‌نخلی را رایج‌ترین نقش در کاشی‌های تخت سلیمان دانسته‌اند. میزان فراوانی هر نوع نقش، در نمودار ۲ نشان داده شده است. از آنجاکه در برخی قطعات، نقوش فوق به صورت ترکیبی طراحی شده‌اند، مجموع آماری که در نمودار ۲ ارائه شده است، از مجموع قطعات کاشی مورد مطالعه، یعنی ۲۸۴ قطعه افزون‌تر است. برای نمونه، همواره نقوش انسانی یا جانوری در ترکیب با نقوش گیاهی یا اسلیمی نشان داده شده‌اند.

کاشی‌های زرین فام تخت سلیمان، تنوعی از نقوش انسانی، جانوری، گیاهی، اسلیمی و هندسی را نشان می‌دهند (تصویر ۲). نقوش انسانی شامل نیم‌تنه یا پیکره کامل فرد یا افرادی در حالت‌های نشسته یا ایستاده است. چهره‌ها با صورت گرد، چشم‌های تنگ و کشیده و لب‌های غنچه‌مانند نشان داده شده‌اند که یادآور ظاهر مغولان است. در بعضی نقوش می‌توان فرم و طرح لباس را به خوبی تشخیص داد. در میان نقوش جانوری نیز انواع جانوران از قبیل غزال، خرگوش، سگ، روباه، پلنگ، اسب و ماهی وجود دارند و اغلب در حال حرکت نشان داده شده‌اند. بدن حیوانات معمولاً به صورت نقطه‌نقطه تزیین شده است. همچنین دو مورد نقش اژدها و سیمرغ که تأثیرپذیری از هنر چین را نشان می‌دهند (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۸۱۸)، در میان کاشی‌های مورد مطالعه به چشم می‌خورد. بیشترین نمایش نقوش جانوری روی کاشی‌های حاشیه‌ای مستطیلی دیده می‌شود.

نقوش گیاهی، پرکاربردین نوع نقش در کاشی‌های تخت سلیمان است و زمینه کاشی با این نقوش پر شده است. گاهی، نقوش گیاهی به صورت بزرگ یا برجسته یا با ریتمی خاص ترسیم شده‌اند و در مرکز توجه هستند. این نقوش مشتمل بر گل‌ها یا شکوفه‌های سه‌پر، پنج‌پر، شش‌پر، هشت‌پر، گل نیلوفر آبی، گل اناری، غنچه‌ها، برگ‌های ساده کشیده یا



تصویر ۲. پنج گروه از نقوش کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان؛ ۱. انسانی، ۲. جانوری، ۳. گیاهی، ۴. اسلیمی، ۵. هندسی (نگارندگان، ۱۴۰۳)



تصویر ۳. سبک نقش‌پردازی در کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان؛ راست: نقش رئالیستی روباه، چپ: نقوش گیاهی انتزاعی (نگارندگان، ۱۴۰۳)

د. طبقه‌بندی از نظر ترکیب‌بندی طرح

در نقش‌پردازی و ترکیب کلی طرح در کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان، چهار شیوه اصلی ترکیب‌بندی رعایت شده که شامل ترکیب‌بندی متقارن، شعاعی، تکرار واگیره و دست‌گردان است (تصویر ۴). پرکاربردترین نوع ترکیب‌بندی از نوع «متقارن» است. این نوع ترکیب‌بندی در کاشی‌های ستاره‌ای و صلیبی متفاوت است. در ترکیب‌بندی متقارن در کاشی‌های ستاره‌ای، طرح کلی دارای یک محور تقارن عموداً عمودی است که دو نیمه سمت راست و چپ تصویر نسبت

ج. طبقه‌بندی از نظر سبک نقوش

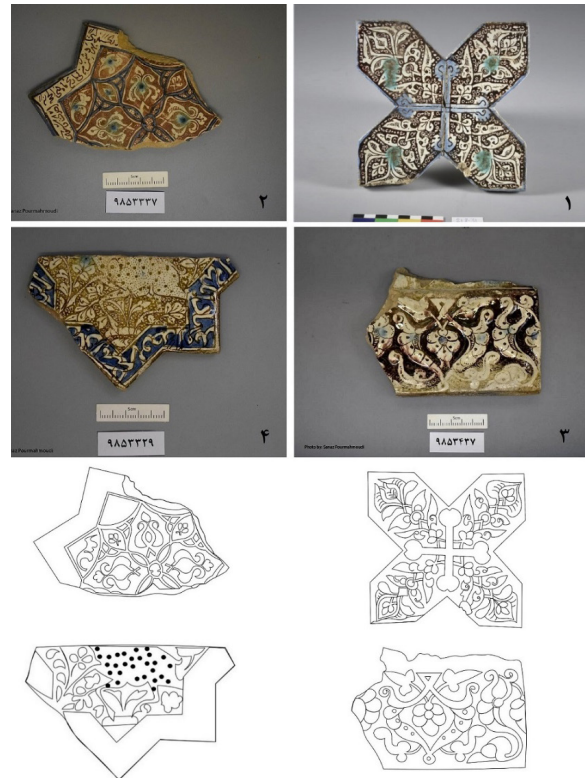
مطالعه سبک طراحی نقوش در کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان نشان می‌دهد که نقش‌پردازی با الهام از طبیعت و واقعیت‌های پیرامونی (سبک‌های رئالیستی و طبیعت‌گرایانه) کمتر مورد توجه بوده و بر اغلب قطعات، طراحی به سبک انتزاعی صورت گرفته است؛ چنان‌که شمار کاشی‌های دارای طرح انتزاعی، تقریباً پنج‌برابر کاشی‌هایی با طرح‌های رئالیستی، واقع‌گرایانه یا با الهام از طبیعت است. عموماً نقش انسان یا برخی جانوران در نمونه‌های مورد مطالعه به سبک رئالیستی - طبیعت‌گرایانه طراحی شده است. اغلب نقوش انتزاعی، شامل نقوش گیاهی، اسلیمی و هندسی هستند که مابه‌ازای خارجی ندارند؛ اما به‌عنوان نقوش زینتی در هنر اسلامی به‌فراوانی به کار رفته‌اند (تصویر ۳). میزان فراوانی هر یک از سبک‌های «انتزاعی» و «رئالیستی - طبیعت‌گرایانه»، در نمودار ۲ نشان داده شده است. سبک طراحی در ۷ قطعه از جامعه آماری مورد مطالعه، به‌دلیل ابعاد کوچک یا فرسایش سطح لعاب و زایل‌شدن طرح و نقش، قابل تشخیص نیست.

کند؛ بنابراین، چنین الگویی، برخلاف الگوهای متقارن، شعاعی و تکرار واگیره، فاقد نظم و ریتم است. در نمودار ۲، فراوانی انواع ترکیببندی در کاشی‌های مورد مطالعه نشان داده شده است. در ۴۲ قطعه به دلیل ابعاد کوچک یا آسیب‌های سطح کاشی، نوع ترکیببندی تشخیص داده نشد.

ه. طبقه‌بندی براساس مضمون طرح

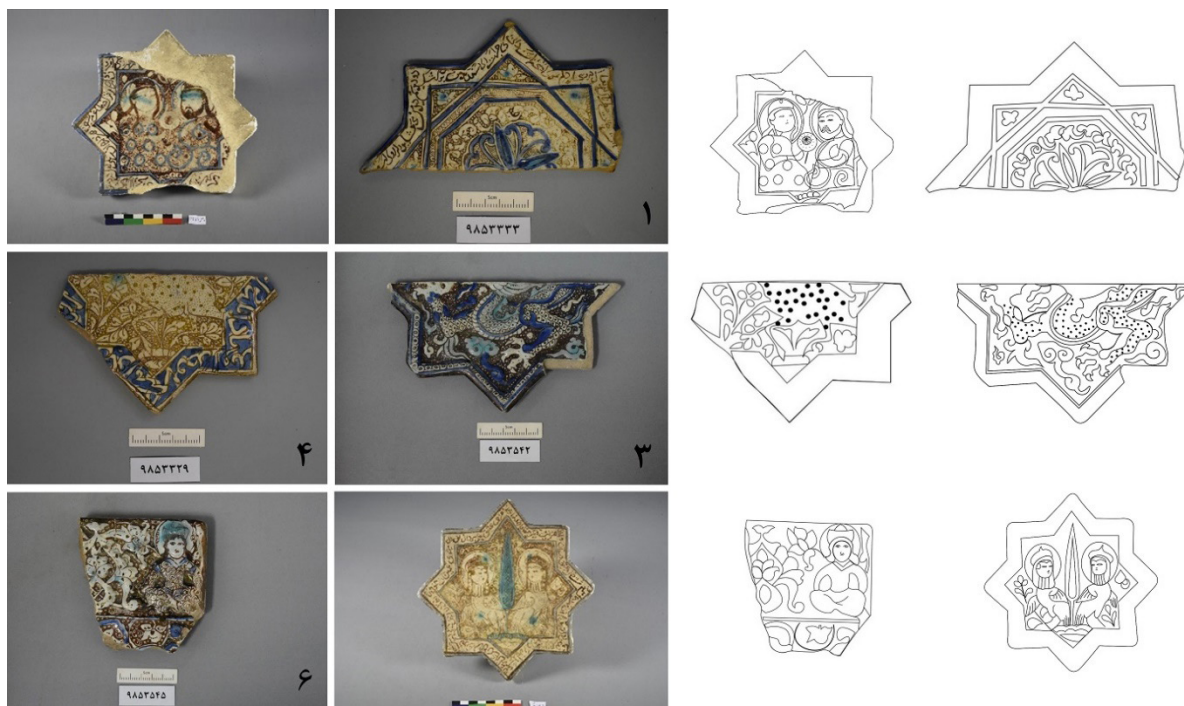
کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان از نظر مضمون طرح، مشتمل بر دو گروه اصلی هستند؛ گروه نخست، کاشی‌هایی با مضامین «روایی یا داستانی» و گروه دوم کاشی‌هایی با نقوش «زینتی» که روایتگر یک داستان یا مضمون خاص نیستند و صرفاً برای تزئین و زیبایی از این نوع نقوش استفاده شده است (تصویر ۵). نقوش روایی یا داستانی شامل مضامین افسانه‌ای، درباریان و بزرگان، شکار و شکارگاه است. مضامین روایی و داستانی مشتمل بر تصاویری از بهرام‌گور در حال شکار، اشخاص عالی‌رتبه، گفت‌وگو میان اشخاص و داستان‌های شاهنامه، مانند داستان عاشقانه «آزاده و بهرام» است. وجود هاله قدسی دور سر، در اغلب نمونه‌ها نشان می‌دهد که بزرگان و درباریان، بیشتر مورد توجه هنرمندان بوده‌اند. هاله دور سر، ابتدا در نقوش مانوی و ساسانی وجود داشته و نشانگر فره ایزدی یا قداست بوده است (سامانیان و پورافضل، ۱۳۹۵: ۱۲) و بعدها وارد هنر سرزمین‌های دیگر شده است.

به آن قرینه شده‌اند و طرح به صورت جفتی دیده می‌شود؛ درحالی‌که در الگوی متقارن در کاشی‌های صلیبی، طرح دارای دو محور تقارن است که در راستای دو محور صلیب هستند و این دو محور سبب شده‌اند تا طرح، چهار بار روی چهار بازو یا یال صلیب تکرار شود.



تصویر ۴. ترکیببندی طرح در کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان؛ ۱. متقارن، ۲. شعاعی، ۳. تکرار واگیره، ۴. دست گردان (نگارندگان، ۱۴۰۳)

در الگوی دوم یا «ترکیببندی شعاعی»، سطح کاشی‌های ستاره‌ای هشت‌پر به چهار، شش یا هشت قسمت حول یک مرکز تقسیم شده و طرحی همسان در هر قسمت تکرار شده است. در الگوی سوم ترکیببندی یا «تکرار واگیره»، یک واگیره به صورت منظم در طول کاشی‌های حاشیه‌ای مستطیلی تکرار شده است. این نوع ترکیببندی نیز همانند دو شیوه قبل، از نظم، حرکت و انسجام بالایی برخوردار است. در الگوی چهارم یا «ترکیببندی دست‌گردان»، نقوش بدون رعایت اصول تقارن و تکرار، به صورت آزادانه در سطح کاشی‌های ستاره‌ای هشت‌پر یا حاشیه‌ای مستطیلی اجرا شده‌اند؛ به این معنا که هنرمند، نقش را از یک سوی متن کاشی آغاز کرده و آزادانه در جهات مختلف ادامه داده است تا تمام سطح کاشی را پر



تصویر ۵. انواع مضامین طرح در کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان؛ ۱. زینتی، ۲. گفت‌وگوی اشخاص؛ بیژن و منیژه، ۳. افسانه‌ای ازدها، ۴. شکارگاه، ۵. افسانه‌ای اسفنگس؛ پرنده با سر انسان، ۶. افراد عالی‌رتبه (نگارندگان، ۱۴۰۳)

و. طبقه‌بندی براساس نوع کتیبه

اجرا شده است. طرح شبه‌کوفی نیز به‌صورت محدود در حاشیه‌بازی در اطراف کاشی‌های حاشیه‌ای مستطیلی دیده می‌شود. کتیبه‌های کاشی‌های تخت سلیمان، حاوی اشعار فارسی، ادعیه عربی و تاریخ‌های ۶۷۰، ۶۷۱ و ۶۷۴ هجری هستند (طالب‌پور، ۱۳۸۷: ۴). همچنین تاریخ ۶۶۷ بر یک نمونه دیده می‌شود (تصویر ۶، نمونه ۱).

در طول دوران اسلامی، خلاقیت و نبوغ هنرمندان مسلمان در آفرینش شیوه‌های متنوع خوش‌نویسی به‌منصه ظهور رسیده و خط و کتیبه، افزون‌بر انتقال مفاهیم و پیام‌ها، کارکردی زینتی نیز یافته است. کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان نیز بستری برای ارائه کتیبه‌هایی با انواع خطوط نسخ، تعلیق، ثلث و برخی خطوط شخصی و بی‌قاعده بوده‌اند (تصویر ۶). بر برخی قطعات نیز، شبه‌کتیبه‌هایی دیده می‌شود که شباهتی را با خط کوفی نشان می‌دهند؛ اما ساختار کلمه یا جمله ندارند و اغلب به‌عنوان عنصری زینتی اجرا شده‌اند. از میان مجموع جامعه آماری مورد مطالعه، ۱۳۲ قطعه دارای کتیبه هستند. ۸۷ کتیبه روی کاشی ستاره‌ای هشت‌پر، ۴۳ کتیبه روی کاشی حاشیه‌ای مستطیلی و دو کتیبه روی کاشی صلیبی نوشته شده است. برپایه بررسی آماری نمونه‌ها، خط نسخ بیشترین فراوانی را دارد و عموماً در حاشیه کاشی‌های ستاره‌ای هشت‌پر از این خط استفاده شده است. پس از آن، خط ثلث بیشترین کاربرد را در کاشی‌های حاشیه‌ای مستطیلی داشته که عموماً به‌صورت برجسته و بزرگ



تصویر ۶. انواع خطوط در کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان؛ ۱. نسخ، ۲. تعلیق، ۳. ثلث، ۴. شبه‌کوفی (نگارندگان، ۱۴۰۳)

نمودار ۲. فراوانی فرمها، نقوش، انواع ترکیببندی، مضامین و کتیبه‌ها در کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان (نگارندگان، ۱۴۰۳)



و تولید مفاهیم در پژوهش‌های نظری و کاربردی استفاده شود و درک بهتری از مواد مطالعاتی را پدید آورد. در مقاله حاضر، پس از طبقه‌بندی کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان و برپایه همسانی‌ها و تفاوت‌ها، گونه‌شناسی آن‌ها به انجام رسیده است. بر این اساس، سه گونه اصلی شناسایی شده که خود به زیرگونه‌هایی تقسیم شده‌اند. بدین ترتیب، در مجموع شش گونه اصلی و فرعی معرفی شده است (نمودار ۳).

گونه‌شناسی کاشی‌ها

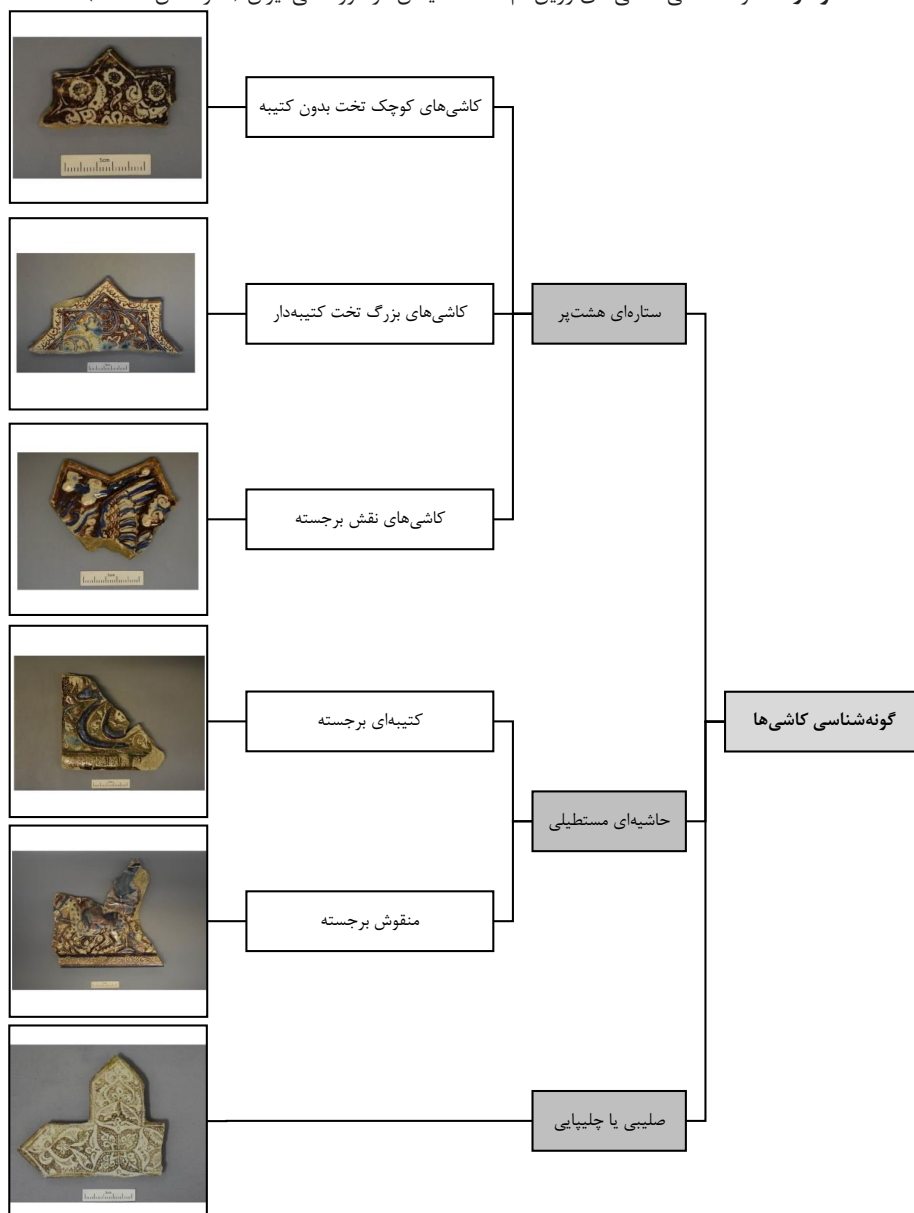
گونه‌شناسی، یک شیوه و قالب نظام‌مند و رسمی در طبقه‌بندی داده‌های کیفی تلقی می‌شود و به معنای یک سیستم علمی برای طبقه‌بندی پدیده‌های چندوجهی و پیچیده با توجه به مجموعه‌ای از شاخصه‌های مشترک آن‌هاست (Bradley et al. 2007: 1761). گونه‌شناسی در کنار دیگر روش‌های طبقه‌بندی می‌تواند به‌مثابه روشی برای تبیین

نقش و کتیبه به‌طور همزمان ایجاد کرده است. بدین ترتیب، این گونه از کاشی‌ها، دارای کتیبه‌ای تخت در حاشیه و نقوش متنوعی، از جمله گیاهی، اسلیمی، جانوری، انسانی و هندسی در متن هستند و سبک غالب در طراحی آن‌ها، سبک «انتزاعی» است. کتیبه‌های این کاشی‌ها شامل اشعار فارسی و تاریخ است. بیشترین کاشی‌های کتیبه‌دار در میان جامعه آماری، متعلق به این گونه هستند. پرکاربردترین نوع خط در کتیبه این کاشی‌ها، خط «نسخ» است. دو الگوی ترکیب‌بندی «مقارن» و «شعاعی» در این گونه، بیش از ترکیب‌های دیگر به چشم می‌خورد.

گونه الف. یکی از گونه‌های کاشی مورد مطالعه، کاشی‌های ستاره‌ای هشت‌پر کوچکی هستند که نقوش آن‌ها فاقد برجستگی و سطح آن‌ها کاملاً تخت است و کتیبه و نوشتار ندارند. اندازه این کاشی‌ها معمولاً ۱۱ سانتی‌متر است. سطح این کاشی‌ها اغلب دربردارنده نقوش گیاهی و اسلیمی است و شمار معدودی از آن‌ها نقوش انسانی و جانوری دارند.

گونه ب. پرکارترین و بیشترین کاشی‌ها در میان جامعه آماری، کاشی‌های ستاره‌ای هشت‌پر بزرگی به‌اندازه ۲۰ سانتی‌متر هستند که ابعاد آن‌ها فضای کافی را برای اجرای

نمودار ۳. گونه‌شناسی کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان در موزه ملی ایران (نگارندگان، ۱۴۰۳)



باید یا کاملاً متعادل یا کاملاً بی‌تعادل نشان داده شوند. این دو حالت، از نیازهای دستگاه بینایی انسان است و حالت بینابینی، حالتی مبهم را پدید می‌آورد که درک حسی و بصری ما را نیز با ابهام مواجه می‌کند. روان‌شناسان این دو حالت را «طرازشده» و «برجسته‌شده» می‌خوانند. طرازشده در معنای «تضعیف و رقیق کردن» است و عموماً با هماهنگی اجزای تصویر مترادف است. برجسته‌شده نیز در معنای «مبالغه و تأکید بر ویژگی‌های یک نقش» است و با تضاد مترادف است (داندیس، ۱۳۹۰: ۱۳۰-۱۲۹)؛ بنابراین، هردو حالت هماهنگی و تضاد در یک تصویر، تأثیر مطلوبی بر ادراک حسی و بصری انسان می‌گذارند. بر این اساس، کیفیت‌هایی از جمله نظم، تقارن و سادگی نیز به حالت «طرازشده» نزدیک است و این کیفیت‌ها، افزون‌بر تعادل بصری و تناسب میان اجزا با یکدیگر و با کل اثر، به خلق ارزش‌های زیبایی‌شناختی منجر می‌شوند. به همین علت است که یونانیان باستان، اشتیاق زیادی برای خلق طرح‌های هماهنگ و کاملاً متقارن و منظم داشته‌اند و در ترکیب‌بندی آثارشان - از جمله نمای معماری - ابهام وجود ندارد (همان: ۱۳۱). بر این اساس، در تحلیل عناصر بصری کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان با رویکرد زیبایی‌شناسانه، تبیین اصولی مانند تعادل (مقارن و نامقارن)، تناسب و هماهنگی، نظم و تضاد اهمیت دارد.

بررسی نقوش و الگوهای ترکیب‌بندی آن‌ها روی کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان، نشان می‌دهد در اغلب کاشی‌ها، اصولی مانند تقارن، تعادل و توازن، تناسب، تضاد، ریتم و نظم به‌منظور دستیابی به یک ترکیب‌بندی مطلوب رعایت شده و عناصر بصری نقطه، خط، سطح، بافت و رنگ به‌صورت سازمان‌یافته و دقیق، اجزای تصویر را ساخته و ترکیب‌بندی زیبارا پدید آورده‌اند. استفاده از الگوها و ساختار هندسی در طراحی کاشی‌ها نیز به یک ترکیب‌بندی موفق و مطلوب انجامیده است؛ زیرا الگوها و ساختار هندسی، یک ترکیب‌بندی مقارن، متعادل، متوازن، متناسب و منظم را ایجاد می‌کنند. ترکیب‌بندی برپایه اشکال هندسی در ساختار آثار هنرمندان ادوار تاریخی و رنسانس دیده می‌شود (حسینی‌راد، ۱۳۹۴: ۴۷-۴۴).

همان‌گونه که در نمودار ۲ نشان داده شد، رایج‌ترین الگوی ترکیب‌بندی در کاشی‌های تخت سلیمان، الگوهای مقارن، شعاعی و تکرار واگیره است؛ چنان‌که حدود ۶۰ درصد از جامعه

گونه ج. دو نمونه از کاشی‌های ستاره‌ای هشت‌پر در مجموعه مورد مطالعه، از نوع کاشی‌های ستاره‌ای نقش برجسته هستند. نقش در این دو نمونه از نوع اسطوره‌ای و افسانه‌ای است و یکی از آن‌ها نقش قفوس و دیگری نقش اژدها را نشان می‌دهد. هردو کاشی فاقد کتیبه هستند.

گونه د. چهارمین گونه از کاشی‌ها، شامل کاشی‌های حاشیه‌ای مستطیلی کتیبه‌ای است که کتیبه آن‌ها به‌صورت برجسته و اغلب، با خط «ثلث» اجرا شده است. همچنین در این گونه، الگوی ترکیب‌بندی «دست‌گردان» رایج‌تر است. از نظر آماری، این گونه از کاشی‌ها نیز شمار قابل توجهی از مجموعه زرین‌فام‌های تخت سلیمان را تشکیل می‌دهند.

گونه هـ کاشی‌های حاشیه‌ای مستطیلی بدون کتیبه در این گونه جای دارند. سطح این کاشی‌ها با نقوش برجسته انسانی، جانوری، گیاهی و اسلیمی پر شده است. اگرچه شمار نسبتاً زیادی از کاشی‌های مجموعه تخت سلیمان، از این گونه هستند؛ اما جزو پر تکرارترین کاشی‌ها نیستند.

گونه و. کاشی‌های صلیبی یا چلیپایی در گونه‌ای متمایز جای می‌گیرند که دربردارنده بیشترین نقوش گیاهی و اسلیمی هستند. در میان آن‌ها فقط دو قطعه کاشی کتیبه‌دار با خط ثلث وجود دارد و تعداد اندکی از آن‌ها نیز دارای نقوش جانوری هستند. الگوی ترکیب‌بندی غالب در این گونه، از نوع «مقارن» است.

تحلیل عناصر بصری کاشی‌ها با رویکرد زیبایی‌شناسی

ترکیب‌بندی موفق در یک اثر هنری، افزون‌بر آنکه جذابیت بصری ایجاد می‌کند و در جلب توجه بیننده مؤثر است، انتقال پیام موردنظر هنرمند به مخاطبان را تسهیل می‌کند. یک ترکیب‌بندی درست و وحدت‌یافته به‌صورتی است که اجزای آن قابل تفکیک نباشد. سه عامل «تعادل بصری»، «تناسب میان اجزا» و «رابطه هماهنگ بین اجزا و عناصر با کل اثر» در ساخته شدن یک ترکیب موفق نقش دارند (حسینی‌راد، ۱۳۹۴: ۴۷-۴۴)؛ از سوی دیگر، لازمه دریافت و ادراک حسی از یک اثر هنری، تشخیص درست عناصر آن و عدم وجود ابهام است. وجود ابهام بزرگ‌ترین مانع برای دیدن و تشخیص درست است؛ بنابراین، بهترین راه برای استفاده از دستگاه حسی باصره، آن است که علایم بصری بسیار قاطعانه به کار روند؛ مثلاً این علایم

در نمونه‌های ۰۰۳ و ۰۰۴ در جدول ۱، الگوی ترکیب‌بندی «دست‌گردان» رعایت شده و نقوش به‌صورت آزادانه در متن کاشی توزیع و ترسیم شده‌اند. اگرچه الگوی ترکیب‌بندی دست‌گردان، تقارن و نظم سایر الگوها را ندارد؛ اما تکرار و تنوع نقوش سبب گردش چشم مخاطب و ایجاد حس حرکت می‌شود و بر انرژی و پویایی تصویر می‌افزاید. نمونه‌های ۰۰۵ و ۰۰۶ نشانگر الگوی ترکیب‌بندی «تکرار واگیره» است. این الگو عمدتاً در کاشی‌های مستطیلی حاشیه‌ای دیده می‌شود؛ اما در نمونه‌های معدودی از کاشی‌های ستاره‌ای هشت‌پر، تکرار واگیره به‌صورت دورانی وجود دارد؛ مثلاً نمونه ۰۰۶، یک کاشی ستاره‌ای با طرح یک بند اسلیمی و یک گل سه‌پر است که به‌صورت دورانی در چهار طرف تکرار شده است. تکرار واگیره باعث می‌شود که یک نقش در جهات و موقعیت‌های مختلف دیده شود و تناسب و یکدستی را القا کند. در نمونه‌های ۰۰۷ و ۰۰۸، ترکیب‌بندی «شعاعی» دیده می‌شود. در این ترکیب‌بندی، عناصر بصری در جهت شعاع‌های هشت‌ضلعی قرار می‌گیرند و تصویر از نقطه مرکزی به بیرون شعاع می‌افکند. این نوع ترکیب‌بندی، حرکت را به چشم منتقل می‌کند و باعث تأکید بر یک نقش می‌شود.

آماري پژوهش، دارای یکی از سه نوع ترکیب‌بندی فوق هستند؛ درحالی‌که تنها ۲۵ درصد از نمونه‌ها، الگوی دست‌گردان دارند و ۱۵ درصد نیز نامشخص هستند. اگر چنین بپنداریم که از میان نمونه‌های نامشخص نیز شماری دارای الگوهای متقارن، شعاعی یا تکرار واگیره بوده‌اند، باید گفت در بیش از دوسوم از نمونه‌ها، یکی از الگوهای متقارن، شعاعی و واگیره اجرا شده است. هر سه الگوی فوق، ارزش‌های زیبایی‌شناختی قابل توجهی را برای کاشی‌ها پدید آورده‌اند؛ بنابراین، ثبات، هماهنگی، تعادل، تقارن، نظم و تناسبی که پیش‌تر با عنوان حالت «طرازشده» به آن اشاره شد، در ترکیب‌بندی عناصر بصری در بیش از دوسوم از کاشی‌ها دیده می‌شود. برای نمونه، در تصویر ۰۰۱ در جدول ۱ بخشی از یک کاشی صلیبی با الگوی ترکیب‌بندی «متقارن» دیده می‌شود و تعادلی از نوع تعادل قرینه را پدید آورده است. این نوع ترکیب‌بندی، احساس ثبات و پایداری را به بیننده منتقل می‌کند. در نمونه ۰۰۲، نیز ترکیب‌بندی از نوع متقارن است و طراحی نقش بارنگ تیره در محور مرکزی تصویر، به ایجاد حس تمرکز نیز انجامیده است؛ بدین ترتیب، نقشی که در مرکز قرار گرفته، اهمیت بیشتری می‌یابد و به‌واسطه فرم و رنگ قدرتمند آن، در نخستین نگاه، توجه را به سوی خود جلب می‌کند و سپس چشم، به سوی سایر عناصر تصویر حرکت می‌کند و گردش چشم اتفاق می‌افتد.

جدول ۱. الگوهای ترکیب‌بندی در کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان (نگارندگان، ۱۴۰۳)

ردیف	نوع ترکیب	تصویر	نوع ترکیب	تصویر
۱	متقارن		متقارن	
۲	دست‌گردان		دست‌گردان	

ردیف	نوع ترکیب	تصویر	نوع ترکیب	تصویر
۳	تکرار واگیره		تکرار واگیره	
۴	شعاعی		شعاعی	

ثبات و تعادل شده است. به طور کلی، در بسیاری از کاشی‌های زرین‌فام، از فام‌های متنوع رنگ آبی (از لاجوردی تا فیروزه‌ای) بر زمینه میانی زرین‌فام (طلایی، قهوه‌ای روشن، قهوه‌ای تیره) استفاده شده است تا تضاد رنگی میان این فام‌ها با یکدیگر، سبب تقویت عناصر بصری و بیشتر دیده شدن آن‌ها شود. نوع دیگری از تضاد رنگ، «تضاد ارزش رنگی (تیرگی - روشنی)» است که در نمونه‌های ۰۱۱ و ۰۱۲ برای تأکید بر نقش جانور استفاده شده است. بدین ترتیب، نقش جانور با رنگ سفید بر زمینه‌ای از قهوه‌ای تیره، بیشترین تضاد تیرگی - روشنی را پدید آورده و بر جذابیت و درک تصویر افزوده است.

همچنین «تضاد اندازه» در نمونه ۰۱۳ در نقش گل‌های سه‌پر دیده می‌شود. نقش اصلی، با رنگ آبی در اندازه‌ای بسیار بزرگ اجرا شده است؛ در حالی که گل‌های مشابهی به رنگ سفید با اندازه بسیار کوچک‌تر در زمینه طراحی شده‌اند. چنین تضاد و تباینی، ابتدا توجه مخاطب را بر گل بزرگ‌تر متمرکز می‌کند؛ سپس گل‌های کوچک‌تر را در معرض دید قرار می‌دهد و باعث گردش چشم در زمینه می‌شود و از نظر بصری، نوعی حرکت را در پی دارد و جذابیت و انرژی بیشتری به اثر می‌بخشد. در برخی نمونه‌ها، از جمله نمونه ۰۱۴، تضاد اندازه برای تأکید و تمرکز بر عناصر اصلی تصویر از جمله پیکره یا چهره افراد عالی‌رتبه نیز به کار رفته است و بزرگی آن در قیاس با عناصر کوچک تصویر، سبب تأکید بیشتر بر آن شده است.

افزون بر موارد فوق، اصل تضاد نیز در ترکیب‌بندی عناصر بصری در کاشی‌ها دیده می‌شود؛ از جمله تضاد رنگ و اندازه. اساساً رنگ‌ها در بردارنده مفاهیم بصری متفاوتی هستند و بسته به ارزش رنگ (درجه روشنی یا تیرگی)، فام و خلوص، در ترکیب با سایر عناصر بصری، پیام‌های گوناگونی را انتقال می‌دهند و مراتب مختلفی از ارزش‌های زیبایی‌شناسی را می‌آفرینند؛ بنابراین، ایجاد تعادل در توزیع رنگ‌ها در ترکیب‌بندی بسیار اهمیت دارد (ایتن، ۱۳۹۱: ۱۸۲). یکی از راه‌های ایجاد تعادل رنگی، همجواری رنگ‌های متضاد در ترکیب‌بندی است. رنگ‌های متضاد در یک ترکیب‌بندی، به اثر جان تازه‌ای می‌دهد و ارزش‌های زیبایی‌شناختی را برای آن اثر به همراه دارد. در تصویر ۰۰۹ در جدول ۲، رنگ‌های نقش اصلی، سفید و فیروزه‌ای روشن و آبی لاجوردی (سرد) و رنگ زمینه، قهوه‌ای روشن (گرم) است. وجود تضاد رنگی از نوع «تضاد فام» سبب ایجاد هارمونی رنگ از نوع «هارمونی رنگ‌های مکمل» و در نهایت، یک ترکیب‌بندی مطلوب شده که بر ادراک بصری، اثر مثبت دارد و باعث بهتر دیده شدن نقوش می‌شود. در نمونه ۰۱۰ نیز استفاده از رنگ آبی لاجوردی در کنار قهوه‌ای روشن، همین کارکرد را دارد؛ زیرا رنگ قهوه‌ای روشن، از رنگ‌های هم‌خانواده نارنجی است و بر اساس چرخه رنگ ایتن، دو رنگ متضاد نارنجی و آبی، دو رنگ مکمل محسوب می‌شوند. این هارمونی رنگی، ضمن افزایش جذابیت و انرژی تصویر، سبب تفکیک فضای متن کاشی و ایجاد توازن، نظم،



جدول ۲. انواع تضادها در ترکیب‌بندی طرح کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان (نگارندگان، ۱۴۰۳)

ردیف	نوع تضاد	تصویر	نوع تضاد	تصویر
۱	تضاد فام رنگ		تضاد فام رنگ	
۲	تضاد ارزش رنگ (تیرگی - روشنی)		تضاد ارزش رنگ (تیرگی - روشنی)	
۳	تضاد اندازه		تضاد اندازه	

وجه دیگری از تناسب، رابطه میان فضای پر و خالی است. بدین ترتیب، در طرح‌های متراکم و شلوغ، فضای پر بر فضای خالی غلبه دارد و در طرح‌های خلوت، برعکس؛ بنابراین نسبت برابر یا تقریباً هم‌اندازه میان فضای پر و خالی، به ایجاد یک تناسب منطقی و مطمئن منجر می‌شود. در کاشی‌های تخت سلیمان، گاه با ایجاد نسبت برابر میان فضای پر و خالی، چنین تناسبی پدید آمده است. در این حالت، نقشی تیره بر زمینه‌ای سفید و خالی ترسیم شده است (نمونه ۰۱۷)؛ اما گاهی، تناسب با استفاده از رنگ‌های تیره و روشن ایجاد شده است. حالت دوم بدین معناست که بر سطح کاشی، کمتر اثری فضای خالی دیده می‌شود و نقوش متراکم تیره و روشن، تمام سطح را در بر گرفته‌اند؛ اما رنگ‌های روشن، حسی از فضای خالی و رنگ‌های تیره، حسی از فضای پر را منتقل می‌کنند (نمونه ۰۱۸).

«تناسب» رکن مهم دیگری در پدیدآوردن یک ترکیب‌بندی زیبا و نیل به مراتبی از زیبایی است. تناسب را می‌توان در دو نوع رابطه ایجاد یا ارزیابی کرد؛ نخست رابطه میان هر عنصر بصری با عنصر دیگر یا «تناسب جزء با جزء»؛ دوم رابطه میان هر عنصر بصری با کل تصویر یا «تناسب جزء با کل». در ترکیب‌بندی نقوش آثار مورد بحث، تناسب باعث نتیجه‌ای ایدئال در نقاشی روی کاشی‌ها شده است. در نمونه ۰۱۵ در جدول ۳، تناسب جزء با جزء از طریق ترکیب نقوش بزرگ با رنگ لاجوردی تیره در مرکز و چند نقش کوچک‌تر لاجوردی تیره حول محور آن، دورتادور زمینه ایجاد شده است. در نمونه ۰۱۶ نیز تناسب جزء با کل از طریق طراحی یک واگیره هندسی متناسب با فرم کلی کاشی حاصل شده است. این واگیره هندسی، با الگوی ترکیب‌بندی شعاعی و متقارن طرح نیز تناسب دارد.

جدول ۳. انواع تناسب در ترکیب‌بندی طرح کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان (نگارندگان، ۱۴۰۳)

ردیف	نوع تناسب	تصویر	نوع تناسب	تصویر
۱	تناسب جزء با جزء		تناسب جزء با کل	
۲	تناسب فضای پر و خالی		تناسب فضای پر و خالی	

هم تکرار شده‌اند که ریتم را در اثر ساخته‌اند. این الگوی ریتمیک، باعث گیرایی و پویایی طرح شده است. در نمونه ۰۲۱، ریتم تناوبی با استفاده از دو عنصر پدید آمده است؛ به طوری که دو خط و یک فرم مدور در میان آن‌ها، در حاشیه بالای کاشی به تناوب تکرار شده‌اند. در نمونه ۰۲۲ نیز دو عنصر تصویری، شامل یک نقش بند اسلیمی و یک نقش گل ختایی به صورت یک‌درمیان، حول محور مرکزی تکرار شده‌اند و ریتم تناوبی را ایجاد کرده‌اند. در این دو نمونه، استفاده از ریتم تناوبی به پویایی و جذابیت تصویر افزوده است.

یکی دیگر از اصول ترکیب‌بندی که در نقش‌پردازی کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان دیده می‌شود، «ریتم» است که به صورت تکرار منظم یک یا چند عنصر بصری یا نقش پدید می‌آید. این ریتم، گاهی به صورت تکراری - با استفاده از یک عنصر واحد و ثابت - و گاهی به صورت متناوب ایجاد می‌شود. در ریتم‌های متناوب، با استفاده از دو یا چند عنصر به صورت تناوبی یا با تغییر اندازه یک عنصر به صورت تناوبی حرکت منظم و ریتمیک به وجود می‌آید. در نمونه ۰۱۹ در جدول ۴، عناصر خطی هندسی حول نقش مرکزی پشت سر

جدول ۴. انواع ریتم در ترکیب‌بندی طرح کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان (نگارندگان، ۱۴۰۳)

ردیف	نوع ریتم	تصویر	نوع ریتم	تصویر
۱	ریتم تکرار		ریتم تکرار	
۲	ریتم تناوبی		ریتم تناوبی	

نتیجه‌گیری

کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان در موزه ملی ایران که در این پژوهش برای نخستین بار، سامان‌دهی، طبقه‌بندی، گونه‌شناسی و مطالعه شدند، واجد ارزش‌های زیبایی‌شناختی ویژه‌ای هستند. برپایه طبقه‌بندی از نظر فرم، این کاشی‌ها در سه فرم اصلی ستاره‌ای هشت‌پر، صلیبی یا چلیپایی و مستطیلی حاشیه‌ای تولید شده‌اند و فرم ستاره‌ای هشت‌پر، رایج‌ترین و فراوان‌ترین فرم در میان جامعه آماری مورد مطالعه است. طبقه‌بندی نقوش کاشی‌ها نیز نشانگر تنوعی از نقوش انسانی، جانوری، گیاهی، اسلیمی و هندسی است که در این میان، نقوش گیاهی رایج‌ترین و پرکاربردترین نوع نقش هستند و پس از آن، نقوش اسلیمی رایج‌تر بوده است. بر این کاشی‌ها، نقوشی با سبک‌های «انتزاعی» و «رنالیستی - طبیعت‌گرایانه» ترسیم شده است و اغلب این نقوش، فاقد مضمون روایی و داستانی هستند؛ به بیان دیگر، بیشترین درصد کاشی‌ها دربردارنده نقوشی صرفاً تزیینی هستند؛ اما در موارد اندکی، مضامین روایی و داستانی، از جمله صحنه شکار، داستان بهرام گور و آزاده، بیژن و منیژه، درباریان و افراد عالی‌رتبه و گفت‌وگوی مقامات در نقش‌پردازی کاشی‌ها مورد توجه قرار گرفته است. فراوانی حدود ۸۵ درصدی کاشی‌هایی با نقش تزیینی و آمار اندک ۴ درصدی کاشی‌هایی با نقش روایی و داستانی، نشان می‌دهد برای هنرمندان و سفارش‌دهندگان کاشی‌ها، آراستگی، تزیین و زیبایی، بر انتقال پیام اولویت داشته و از الگوهای ترکیب‌بندی و عناصر بصری به‌منظور تناسب، تعادل، تقارن، توازن، نظم، هماهنگی، ثبات و درنهایت با هدف خلق زیبایی بهره برده‌اند.

رایج‌ترین الگوی ترکیب‌بندی، الگوی متقارن است؛ اما الگوهای شعاعی و تکرار واگیره نیز مورد توجه هنرمندان کاشی‌ساز بوده است. این سه الگو در بیش از دوسوم کاشی‌ها رعایت شده‌اند و یک ترکیب‌بندی منظم، متعادل، متوازن و باثبات را پدید آورده‌اند که با معیارهای زیبایی‌شناسی جامعه دوران تاریخی، کاملاً هم‌سو و هماهنگ است. الگوی ترکیب‌بندی دست‌گردان نیز در شماری از نمونه‌ها دیده می‌شود. اگرچه این الگو، نظم الگوهای دیگر را ندارد؛ اما با گردش چشم در سطح تصویر، حرکت و پویایی و جذابیت بصری را به دنبال دارد.

گونه‌شناسی کاشی‌ها نیز نشانگر وجود ۶ گونه، شامل کاشی‌های «ستاره‌ای هشت‌پر کوچک تخت بدون کتیبه»، «ستاره‌ای هشت‌پر بزرگ تخت کتیبه‌دار»، «ستاره‌ای هشت‌پر نقش‌برجسته»، «حاشیه‌ای کتیبه‌ای برجسته»، «حاشیه‌ای منقوش برجسته» و «صلیبی یا چلیپایی» است. به‌طور کلی هنرمندان کاشی‌ساز در خلق کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان و ترکیب‌بندی طرح و نقش آن‌ها، اصول تعادل و تقارن، توازن، تناسب فضای پر و خالی، تناسب جزء با جزء، تناسب جزء با کل، تضاد فام رنگ، تضاد ارزش رنگ، تضاد اندازه و ریتم را برای خلق زیبایی به کار بسته‌اند و چنین اصولی، بازگوکننده این موضوع است که زیبایی‌شناسی جوامع ایران در ادوار باستان و پیشاایلخانی، در جامعه عصر ایلخانی نیز تداوم داشته است.

سپاسگزاری

نگارندگان، قدردان همکاری و حمایت‌های جناب آقای کرم میرزایی، مدیر محترم موزه باستان‌شناسی و هنر دوران اسلامی موزه ملی ایران، دکتر جبرئیل نوکنده، مدیر کل محترم موزه ملی ایران و سایر کسانی هستند که در گردآوری نمونه‌ها و فرایند پژوهش همکاری کرده‌اند.

منابع و ماخذ

- احمدی، بابک (۱۳۹۳). *حقیقت و زیبایی درس‌های فلسفه هنر*. تهران: مرکز.
- امیرحاجلو، سعید و دیگران (۱۳۹۹). «معرفی، طبقه‌بندی و ساختارشناسی کاشی‌های زرین‌فام یافت‌شده از قلعه‌دختر شهر کرمان». *پژوهه باستان‌سنجی*، شماره ۲، صص. ۲۳-۱.
- ایتن، یوهانس (۱۳۹۱). *هنر رنگ*. مترجم: عربعلی شروه، تهران: یساولی.
- بلخاری قهی، حسن (۱۴۰۰). «نسبت میان لذت و زیبایی در آرای خواجه نصیرالدین طوسی». *کیمیای هنر*، سال دهم، شماره ۳۸، صص. ۱۰۹-۱۰۱.
- پوپ، آرتور؛ اکرم، فیلیس (۱۳۸۷). *سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز*. گروه مترجمان، تهران: علمی و فرهنگی.

سلیمان. مترجم: فرامرز نجدسمیعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

- نیستانی، جواد؛ روح‌فر، زهره (۱۳۸۹). *ساخت لعاب زرین‌فام در ایران براساس مطالعات تاریخی و پژوهش‌های آزمایشگاهی*. تهران: آرمان‌شهر.

- واتسون، الیور (۱۳۸۲). *سفال زرین‌فام ایرانی*. مترجم: شکوه ذاکری، تهران: سروش.

- هنینگ فون در اوستن، هانس؛ ناومان، رودلف (۱۳۸۲). *تخت سلیمان*. مترجم: فرامرز نجدسمیعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

- هوف، دیتريش (۱۳۶۸). «تخت سلیمان». در: *شهرهای ایران*، جلد سوم، مترجم: فرامرز نجد سمیعی، به‌کوشش محمدیوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی. صص: ۱-۳۳.

- Bradley, Elizabeth. H., Curry, Leslie. A., & Devers, Kelly. J. (2007). "Qualitative data analysis for health services research: Developing taxonomy, themes, and theory". *Health Services Research*, 42(4): 1758-1772.

- Naumann, R. (1976). *Takht-i Suleiman*, Berlin: Dietrich Reimer.

- Porter, Yves. (2021). "Talking Tiles from Vanished Ilkhanid Palaces (Late Thirteenth to Early Fourteenth Centuries): Frieze Luster Tiles with Verses from the Shah-nama", *Journal of Material Cultures in the Muslim World*, 2 (1-2): 97-149.

- Rohrs, Stefan; Dumazet, Alexandra; Kuntz, Katharina; Franke, Ute. (2022). "Bodies and Glazes of Architectural Ceramics from the Ilkhanid Period at Takht-e Soleyman (North-Western Iran)", *Minerals*, 12 (2): 1-17.

- توحیدی، فائق (۱۳۹۰). *فن و هنر سفالگری*. چاپ هشتم، تهران: سمت.

- حسینی‌راد، عبدالمجید (۱۳۹۴). *مبانی هنرهای تجسمی*. تهران: کتاب‌های درسی ایران.

- حلیمی، محمدحسین (۱۳۸۴). *اصول و مبانی هنرهای تجسمی: زبان، بیان، تمرین*. چاپ پنجم، تهران: احیای کتاب.

- داندیس، دونیس، ا. (۱۳۹۰). *مبانی سواد بصری*. مترجم: مسعود سپهر، چاپ بیست‌وششم، تهران: سروش.

- سامانیان، صمد؛ پورافضل، الهام (۱۳۹۵). «تحلیل تطبیقی سفالینه‌های مینایی و کاشی‌های زرین‌فام سده ۶ و ۷ هجری با نگاره‌های نسخه کلیله و دمنه ۷۰۷ هـ.ق. آل اینجو». *نگره*، شماره ۴۴، صص. ۵-۲۰.

- سرفراز، علی‌اکبر (۱۳۴۷). *تخت سلیمان*. تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.

- سیری، محمدسپهر؛ امیرحاجلو، سعید (۱۳۹۹). «بازنگری محل انتساب هفت قطعه کاشی زرین‌فام در موزه ملی ایران: اطلاعات باستان‌شناختی تازه‌ای از دشت لار تهران». *موزه ملی ایران*، شماره ۱، صص. ۲۱۱-۲۲۳.

- شکرپور، شهریار؛ طاووسی، محمود؛ قوچانی، عبدالله (۱۳۹۲). «بازتاب رهیافت‌های فرهنگی و اجتماعی عصر ایلخانی بر کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان». *نامه هنرهای تجسمی و کاربردی*، شماره ۱۱، صص. ۵۳-۶۶.

- طالب‌پور، فریده (۱۳۸۷). «بررسی نقوش کاخ آباقاخان در تخت سلیمان». *نگره*، شماره ۸ و ۹، صص. ۱۹-۲۹.

- عبداللهی، سحر؛ موسوی حاجی، سیدرسول؛ جودکی عزیزی، اسدالله (۱۳۹۹). «مطالعه و معرفی چند نمونه از کاشی‌های زرین‌فام موجود در مجموعه موزه‌ای مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی». *باستان‌شناسی دوران اسلامی*، شماره ۲، صص. ۱۵-۳۰.

- قوچانی، عبدالله (۱۳۷۱). *اشعار فارسی کاشی‌های تخت سلیمان*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- لشکری، آرش؛ شریفی‌نیا، اکبر؛ مهاجروطن، سمیه (۱۳۹۳). «بررسی نقوش کاشی‌های زرین‌فام آوه از دوره ایلخانیان». *نگره*، شماره ۳۲، صص. ۳۸-۵۴.

- ناومان، رودلف (۱۳۸۲). *ویرانه‌های تخت سلیمان و زندان*

Typology and Analysis of the Visual Elements of Luster Tiles of Takht-e Soleyman with an Aesthetic Approach; A Case Study of the Luster Tiles of National Museum of Iran

Sanaz Pourmahmoudi¹, Saeed Amirhajloo², Hassan Moradi³

1- M.A student in Archaeology, Tarbiat Modares University.

2- Associate Professor, Department of Archaeology, Tarbiat Modares University. (Corresponding Author)

3- Ph.D in Archaeology, Ministry of Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts of Iran.

DOI: 10.22077/NIA.2025.8132.1875

Abstract

The historical complex of Takht-e Soleyman in Takab, West Azerbaijan, includes valuable monuments and cultural materials from the Ilkhanate period, in addition to the Sassanid artifact. During archaeological excavations in the 1960s at the Takht-e Soleyman complex, a large number of Luster tiles were discovered from Abaqa Khan's Palace, with over a thousand pieces transferred to the National Museum of Iran. Despite this tile collection's qualitative and quantitative richness, their organization and complete study in the museum have not been carried out in the past decades. In response to this, the present research was initiated to organize, classify, and typologize the Luster tiles. Given the artistic significance of the samples, further studies were conducted with an aesthetic approach to explain the visual characteristics and principles governing the composition of the tile's visual elements. The article addresses the following questions: what are the visual characteristics of the Luster tiles in the National Museum of Iran, and what information does their typology provide regarding the most common forms, motifs, and inscriptions? How are the principles of composition and arrangement of visual elements on tiles used to create aesthetic value? To answer these questions, the documentation, photography, and organization of the tiles were first completed. Subsequently, the aesthetic components of the tiles were analyzed by studying the principles of composition and the application of primary visual elements in their decoration. The results of the classification and typology indicate the presence of six types of tiles: "small flat eight-pointed star without inscription", "large flat eight-pointed star with inscriptions", "eight-pointed star with relief motifs", "borders with relief inscriptions", "borders with relief motifs" and "cross-shaped or cruciform tiles". Among these, the eight-pointed star is the most common form, with plant motifs, followed by arabesque designs, being the most frequent motifs. Symmetrical, radial, and repetitive composition patterns are seen in more than two-thirds of the tiles, contributing to a sense of proportion, harmony, and stability in the tile designs. The high percentage of about 85% of tiles featuring decorative motifs, compared to the small number 4% with narrative or storytelling motifs, suggests that for both the artists and the patrons, ornaments and beauty were prioritized over the communication of a message. Composition patterns and visual elements were employed to achieve proportion, balance, symmetry, order, harmony, stability, and ultimately, the creation of beauty.

Key words: Luster tiles, Takht-e Soleyman, Stylistic, Aesthetics, Motif's composition, National Museum of Iran.

1- Email: sanaz_pourmahmoudi@yahoo.com

2- Email: s.amirhajloo@modares.ac.ir

3- Email: moradi1148009@gmail.com

(Date Received: 2024 /09/09 - Date Accepted: 2025/03/08)